

کافی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره
آن چه در ادامه می‌آید مقدمه‌ای است در معرفی مرحوم کلینی و کتاب کافی او که با اقتباس از برخی دروس رجالی حضرت آیت الله شبیری زنجانی و به اشراف سیدمحمد جواد شبیری تدوین و در بخش اطلاعات جانبی نرم‌افزار درایه‌النور، از سری آثار مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی منتشر شده‌است. انتشار این اثر برای علاقمندان پژوهش در حدیث شیعه و به ویژه کتاب کافی، سودمند خواهد بود.

کافی

۱. لقب و کنیه

ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی از محدثان نامی امامیه، مؤلف کتاب کافی، نخستین و مهم‌ترین کتاب از کتب اربعه حدیثی شیعه است. وی با لقب کلینی شناخته می‌شود که منسوب به روستایی از توابع فشاپویه در ری است. اکنون قبری منسوب به پدر وی یعقوب در این روستا مشهور است.

ضبط صحیح «کلّین» به ضم کاف و اماله لام، بر طبق تلفظ شایع این کلمه در زبان فارسی است (اکمال ابن ماکولا ۱۴۴: ۷ و نیز کلینی و الکافی: ۱۲۳ - ۱۱۳) بر سنگ قبر قدیمی وی او را با وصف «الرازی الکلینی الفقیه» معرفی کرده‌اند (همان مصدر و نیز ر. ک. آخر مجلد هفتم کافی، و نیز اکثر مصادر ترجمه کلینی از عامّه).

در رجال شیخ طوسی ۲۷ - ۴۳۹/۶۲۷۷ از وی با تعبیر «یکنی أباجعفر الأعور» یاد کرده است و با عنایت به سکناى وی در پایان عمر خود در «درب السلسله» از باب الکوفه بغداد، احیانا از وی با عنوان «السلسلی» یاد شده است (تبصیر المنتبه ۷۳۷: ۲، تاج العروس ۳۵۶: ۱۴، ۴۸۲: ۱۸).

وی در اجازاتی از شیخ بهایی (بحار ۱۴۷: ۱۰۹، ۱۵۰) و نیز در مفتاح الفلاح (در موارد متکرّر از جمله ص ۱۰، ۱۶، ۲۲) به لقب ثقة الإسلام متّصف شده و پس از وی این لقب در کلمات بزرگان بسیار به کار رفته است.^۱

۲. تاریخ ولادت

از تاریخ ولادت وی آگاهی دقیقی در دست نیست، ولی می‌توان با عنایت به رابطه روایی وی با مشایخ قم، تاریخ ولادت وی را حدس زد: کلینی از محمدبن حسن صفار (م ۲۹۰) همواره با واسطه نقل می‌کند (محمدبن حسن در مشایخ کلینی محمدبن

حسن طائی رازی
تجرید أسانید الکافی،
خاتمه مستدر که
وی هم‌چنین
یحیی اشعری (زنده
طوسی، ۴۴) با
است. روایت



است، نه صفار -
۵۵ - ۵۲: ۱ و نیز
۵۳۰ - ۵۱۶: ۲۱).
از محمدبن احمدبن
در ۲۹۲، - غیبة
واسطه حدیث کرده
مستقیم کلینی از عبد-

الله بن جعفر حمیری (زنده در ۲۹۹ - رساله أبو غالب زراری، ۱۴۹)
و سعدبن عبد الله (متوفای حدود سال ۳۰۰) بسیار اندک بوده و
معمولاً بین کلینی و ابن دو، یک راوی واسطه می‌شود؛ همچون
محمدبن یحیی عطار و محمدبن عبد الله بن جعفر حمیری.

مشایخ اصلی کلینی کسانی هستند همچون ابوعلی اشعری
(م ۳۰۶) و علی بن ابراهیم (زنده در ۳۰۷) و تاریخ وفات سایر
مشایخ وی که در دست است، همگی بعد از این سال‌ها است
(۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۳۲) و نیز ر. ک. تجرید الأسانید: ۱۲.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان ولادت کلینی را در بین
سال‌های ۲۷۰ تا ۲۸۰ تخمین زد، البته این تخمین بر این پایه
استوار است که کلینی همچون غالب مردم قبل از ۲۰ سالگی علم
آموزی را آغاز کرده باشد، و در همین حدود از عمر به تحصیل
علم در قم اشتغال داشته است.

۳. خاندان کلینی

کلینی از خاندان علمی بوده که از آن، محدثان چندی
برخاسته‌اند، جد مادری وی محمدبن ابراهیم کلینی با عبارت «خیر»
و برادر وی احمدبن ابراهیم با وصف «خیر فاضل من أهل الری»
توصیف شده‌اند (رجال طوسی: ۲۹ - ۴۳۹/۶۲۷۹، ۱ - ۴۰۷/۵۹۲۰).
در هر دو ترجمه، عبارت «المعروف بعلائن الکلینی» افزوده شده
که اشتباه است، علان همان «علی» است که به لهجه محلی و
عامیانه بدین شکل تلفظ می‌شده است (مقدمه ابن صلاح ص ۳۰۹؛
تدریب الراوی ۷۸۹: ۲؛ تجرید أسانید الکافی: ۱۱ و مقایسه کنید با
أساب سمعانی ۲۶۴: ۴).

علان کلینی دایی ابو جعفر کلینی، علی بن محمدبن ابراهیم بن

ایمان رازی کلینی معروف‌ترین فرد از این خاندان بوده که کتاب أخبار القائم علیه السلام را نگاشته که از مصادر کافی و کمال الدین بوده است. نجاشی از وی با وصف «ثقة عين» تجلیل کرده است (رجال نجاشی: ۲۶۰/۶۸۲).

گفتنی است که نجاشی از کسی به نام اسحاق بن یعقوب روایاتی اندک نقل کرده (کمال الدین طوسی: ۲۹۰/۲۴۷، الإمامة و نیزر. ک. ۲:، برخی وی را دانسته‌اند که بلکه لحن تعبیر برادری وی را مستبعد می‌سازد.



روایاتی اندک نقل کرده (کمال الدین طوسی: ۲۹۰/۲۴۷، الإمامة و نیزر. ک. ۲:، برخی وی را دانسته‌اند که بلکه لحن تعبیر برادری وی را مستبعد می‌سازد.

۴. مشایخ کلینی

شیخ کلینی از مشایخ بسیاری روایت می‌کند، فهرست مشایخ وی در مصادر ترجمه وی همچون: مقدمه کافی: ۱۸ - ۱۴؛ مع الکلینی و کتابه الکافی: ۴۶ - ۲۰۷؛ الکلینی البغدادی: ۹۵ - ۹۰؛ الکلینی و الکافی ۱۸۲ - ۱۶۶ و مواضع دیگر ذکر شده است. این فهرس همگی از تکرار در عناوین و تصحیف در نام مشایخ و ذکر اشتباه آنها در عداد مشایخ و عدم توجه به تعلیق اسناد و خطا در شناخت راویان برکنار نیستند.

به طور مثال در اکثر این فهرس، نام احمد بن محمد بن عیسی ذکر شده که از اساتید مستقیم کلینی نیست، بلکه کلینی از وی با واسطه نقل می‌کند و مواردی که نام وی در آغاز اسناد ذکر شده از اسناد معلقه به اعتماد اسناد قبل است.

در نام احمد بن عبد الله بن امیه و علی بن محمد بن عبد الله - بن اذینه که هر دو از راویان احمد بن محمد بن خالد برقی است تصحیف رخ داده، این دو نواده پسری و دختری برقی هستند و به جای «بن امیه»، ابن ابنه، و به جای «بن اذینه»، ابن ابنته صحیح است. شخص دوم همان علی بن محمد ابی القاسم عبد الله بندار است (طبقات اعلام الشيعة - القرن الرابع: ۳۰، الذریعة ۲۴۵: ۷، حاشیه تجرید الأسانید ۵۹: ۱).

۵. انگیزه تألیف کافی

مؤلف در مقدمه کتاب کسی را با عنوان اخی (برادر نسبی یا برادر دینی؟) مخاطب قرار داده که از اهل عصر شکایت کرده که به نادانی خو گرفته و از دانش دوری گزیده‌اند، آنها از طریق «استحسان» و تقلید پدران و «الاتکال علی عقولهم فی دقیق الأشياء و جلیلهها» به دین رو آورده‌اند. کلینی سپس به تفصیل بر لزوم علم‌آموزی از روی «علم و

یقین و بصیرت» تأکید می‌ورزد، و از «ادیان فاسده و مذاهب مستنشعه» که در عصر وی پدیدار شده شدیداً انتقاد می‌کند، وی بار دیگر نادرستی روش «الاستحسان و التقليد و التأویل من غیر علم و بصیرة» را متذکر می‌شود.

وی در ادامه می‌گوید: تو یادآور شدی که اموری بر تو مشکل شده که به جهت اختلاف روایت در آنها، حقایق آنها را نمی‌شناسی و تو کسی را در نزد خود نمی‌یابی که با وی گفت‌وگو کنی و بر دانش وی اعتماد ورزی، تو گفتی که دوست داری که در نزد تو کتابی «کافی» باشد که «جميع فنون علم الدین» در آن گرد آمده باشد و دانش آموز بدان بسنده کند و هدایت‌جو بدان رو آورد، و کسی که علم دین و عمل بدان را با «الأثار الصحیحة عن الصادقین علیهما السلام و السنن القائمة الّتی علیها العمل و بها یؤدی فرض الله عز و جل و سنته نبیّه صلی الله علیه و آله» می‌خواهد از آن بگیرد.

وی سپس به قواعد باب تعارض اخبار اشاره کرده و بر «موافقت کتاب» و «مخالفت عامه» و اجماع به عنوان ضوابط ترجیح تکیه می‌کند، ولی اشاره می‌کند که ما از این قواعد تنها اندکی را می‌شناسیم و لذا علم آن (شناخت روایات صحیح) را به ائمه علیهم السلام وامی‌نهیم و به قاعده «تخیر» بسنده می‌کنیم.

کلینی در ادامه می‌گوید که شکر خدا را که تألیف آنچه را تو خواسته بودی میسر ساخت، امیدوارم که به گونه‌ای باشد که می‌خواستی.

کلینی در خاتمه مقدمه اشاره می‌کند که کتاب «الحجة» را اندکی گسترش دادیم، هر چند حق آن را به‌طور کامل ادا نکردیم، وی امیدوار است که کتابی گسترده‌تر و کامل‌تر تألیف کند که تمام حقوق آن را بجا آورد. وی کتاب خود را با «کتاب عقل» که مدار ثواب و عقاب بوده، آغاز می‌کند. در این مقدمه چند نکته قابل توجه است:

نکته اول: مؤلف در این کتاب به دنبال علم و یقین است و بر خودداری از عقل‌گرایی افراطی تکیه می‌کند.

نکته دوم: این کتاب جمیع فنون علم الدین را در بر دارد.

نکته سوم: وی کتاب را از «الأثار الصحیحة» جمع‌آوری کرده، این عبارت در ارزیابی احادیث کافی بسیار مد نظر بوده، چنانچه خواهد آمد.

نکته چهارم: وی در اخبار متعارض، بیشتر بر قاعده «تخیر» تکیه می‌کند.

نکته پنجم: ظاهر عبارت مقدمه این است که پس از تألیف کتاب نگاشته شده، لذا احتمال عدول از مطالب آن، جا ندارد.

برخی از این نکته‌ها نیازمند به توضیح بیشتری است که در بحث‌های آینده بدان می‌پردازیم.

۶. موضوع و تقسیم ابواب

در سده‌های اخیر کتاب کافی را که در ۸ مجلد تنظیم شده، به سه بخش تقسیم کرده‌اند: بخش اصول کافی:

مجلد اول مشتمل بر کتاب‌های: العقل و الجهل، فضل العلم، التوحید، الحجة است. مجلد دوم مشتمل بر کتاب‌های: الإیمان و الکفر، الدعاء، فضل القرآن، العشرة است. برخی از ابواب فقهی همچون «الفیء و الأنفال و الخمس» در لابه‌لای این ابواب دیده می‌شود.

بخش فروع کافی:

مجلد دوم تا هفتم مشتمل بر ابواب فقهی که در ضمن آنها کتاب‌هایی چون «الزی و التجمل و المروة» و «کتاب الدواجن» نیز جا گرفته است.

بخش روضه کافی:

که مشتمل بر احادیث متفرقه است. این تقسیم با ملاحظاتی چند درباره آن، در مجموع

پذیرفتنی است. بدین ترتیب کتاب کافی روایات کلامی، اخلاقی، اجتماعی، تاریخی و... را در کنار احادیث فقهی در خود جمع کرده و همچون سایر کتب اربعه اختصاص به احادیث فقهی و مانند آن ندارد. بنابراین، کافی گسترده‌ترین کتاب حدیثی شیعه از آثار قدماء دانشمندان امامی مذهب است که از حوادث روزگار مصون مانده و به طور کامل به دست ما رسیده است.

گفتنی است که برخی بدون ارائه هیچ دلیل قابل توجهی، در نسبت «کتاب روضه» به کلینی تردید کرده‌اند یا آن را از زمره کتاب‌های کافی ندانسته‌اند (ریاض العلماء ۲: ۲۶۱) با این که نجاشی و شیخ طوسی تصریح کرده‌اند که روضه، آخرین کتاب کافی است (رجال نجاشی: ۱۰۲۶/۳۷۷، فهرست شیخ طوسی: ۶۰۳/۳۹۴). اسناد این مجلد هم دقیقاً همان اسناد شناخته شده کلینی است (تجريد الأسانید: ۷ و ۸، خاتمه مستدرک الوسائل ۲۱: ۵۳۶). بنابراین، بی‌شک «کتاب روضه» جزء پایانی کافی است. البته تفاوت‌های اندکی بین این مجلد و سایر مجلدات کافی وجود دارد؛ همچون عدم باب‌بندی این مجلد، که کاملاً طبیعی می‌نماید و هیچ‌گونه ارتباطی با عدم انتساب کتاب به کلینی ندارد.

گفتنی است که در تنظیم ابواب فقهی کافی، مشابهت‌هایی بین این کتاب و کتب سی‌گانه حسین بن سعید دیده می‌شود (رجال نجاشی: ۱۳۶/۵۸، فهرست شیخ: ۲۳۰/۱۵۰)، ظاهراً کلینی در تنظیم ابواب به این کتاب نیز نظر داشته است.

۷. کافی در کلام بزرگان

نجاشی پس از ستایش بسیار از کلینی می‌گوید: «صنّف الکتاب الکبیر المعروف بالکلینی یسمی الکافی فی عشرين سنة»، گویا مراد وی این است که این کتاب به نام کتاب کلینی معروف بوده؛ هرچند نام اصلی آن کافی است.

مراد از تألیف این کتاب در مدت بیست سال، نیز می‌تواند از آغاز زمان جمع‌آوری احادیث، و پیش از درخواست تألیف کتاب باشد. چه بعید به نظر می‌رسد که مؤلف، درخواست تألیف کتاب را پس از بیست سال پاسخ گفته باشد، بنابراین طبیعی این است که کلینی مدت‌ها قبل از درخواست تألیف، در فکر تألیف این کتاب بوده و سال‌ها صرف تهیه مقدمات کار کرده و تنها تنظیم نهایی کتاب پس از درخواست سائل صورت گرفته باشد (تجريد الأسانید ۱: ۱۲).

شیخ مفید کتاب کافی را «من أجل كتب الشيعة و أكثرها فائدة» می‌داند (تصحیح الاعتقاد ص ۷۰. در نقل محدث نوری حرف «من» نیامده است، خاتمه مستدرک ۲۱: ۴۶۴). شهید اول (۷۸۶) در وصف آن می‌گوید: لم يعمل للإمامية مثله (بحار ۱۰۷: ۱۸۸)، نظیر این داوری را محقق کرکی (م ۹۴۰) ارائه کرده است (بحار ۱۰۸: ۶۳ و نیز ۷۵). ملا محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰) می‌گوید: لم یصنّف فی الإسلام مثله (بحار ۱۱۰: ۶۹) ستایش از این کتاب در کلام سایر بزرگان و فقها تکرار شده است.

پی‌نوشت:

۱. برخی از منابع ترجمه به قرار زیر است:

رجال نجاشی، ۱۰۲۶/۳۷۷؛ فهرست شیخ طوسی، ۳۹۴/۶۰۳؛ رجال او، ۲۷- ۴۳۹/۶۲۷۷؛ اكمال ابن ماکولا، ۱۴۴: ۷؛ تاریخ دمشق، ۲۹۷: ۵۶؛ مشتهه ذهبی، ۵۵۳: ۲؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۲۵/۲۸۰: ۱۵؛ تاریخ الإسلام، ۲۵۰/۴۱۶: ۲۴؛ لسان المیزان، ۶۳۶/۸۲۷۷: ۶؛ جامع الأصول، ۳۲۳: ۱۱؛ کامل ابن‌اثیر، ۳۶۴: ۸؛ تبصیر المنتبه، ۷۳۷: ۲؛ توضیح المشتهه، ۳۳۶: ۷؛ و نیز مع کلینی و کتابه کافی، ۲۲۱ - ۲۱۹.